



رسانه و سینما

جنگ نُت روی نت ۱۶

یک هفته با سیمای ایران ۱۷



ادبیات و کتاب

یادی از منصوره راعی ۱۸

گفت‌وگو با محمدرضا سرشار ... ۱۹



حکمت و اندیشه

اندیشه افلاطون در حکمت اشراق .. ۲۰

معمای مجهول وجود ۲۱



تاریخ

نگاهی به پرونده واترگیت ۲۲



بال‌ی افشار

نخستین زن فارغ التحصیل دکترای گیتار جهان

این قطعه شما را تکان می‌دهد

مرضیه رسولی؛ این ماجرا زمانی روی داد که او ۱۰ سال داشت . دخترعمه در طبقه بالای خانه عمه جان در حال تعلیم گرفتن از معلم گیتارش بود و او با حسرت چشم به دست‌هایی دوخته بود که روی دسته گیتار بالا و پایین می رفت و نت‌ها را اشتباه می زد. صدای سحرآمیز ساز در خانه می‌پیچید و در سر او می گشت . کاش می شد لحظه‌ای آن گیتار را به او می دادند تا به معلم نشان داد که می تواند خیلی بهتر از دخترعمه بزند . به خانه آمد و به پدر گفت که می خواهد گیتاری داشته باشد . که گیتار دخترعمه با نت هایش به او تعلق داشت . اینکه آیا دخترعمه با گیتار دیگری به ساز زدن ادامه داد یا نه در این ماجرا کم و فراموش شد .

برای لی لی افشار معلم خصوصی گرفتند . او خود را با سازش در اتاق حبس می کرد و از این جعبه جادو که به او داده بودند ، صداهای تازه درمی آورد . به هنرستان موسیقی رفت . به خود تکنیک فلامنکو یاد داد بی آنکه آن را از کسی یاد گرفته باشد . انگشت هایش را یکی بعد از دیگری بدون وقفه روی سیم‌های ساز فرود می آورد . «مثل گل انگشتانم باز می شد و برمی گشت . به این می گویند تکنیک رسکیادو .»

اولین کنسرتش را در نوجوانی در کلیسای آلمان‌ها اجرا کرد و بعد دو کنسرت در کاخ جوانان داشت . صفحه‌های «آندره سگویا» گیتاریست اسپانیایی را گوش می کرد و می خواست روزی مثل او ساز بزند . سال ۱۹۷۷(۱۳۵۶) زمانی که ۱۷ ساله بود، برای ادامه تحصیل از ایران رفت و چند سال بعد یعنی در سال ۱۹۸۶(۱۳۶۵) یکی از ۱۲ گیتاریستی بود که برای نواختن در کلاس‌های پیشرفته سگویا در دانشگاه کالیفرنای جنوبی انتخاب شد . «عکس هایش روی وب سایتم هست . در کلاس‌های او راحت بودم . انگار دوست قدیمی ام را دیده باشم . به من گفت معلوم است که روح فلامنکو داری . آن موقع ۹۴ سال داشت و یک سال بعد از دنیا رفت .»

لی لی افشار از کنسرواتوار بوستون لیسانس گرفت . از کنسرواتوار موسیقی نیواگلند در درجه فوق لیسانس فارغ التحصیل شد و دوره دکترایش را در نوازندگی گیتار در دانشگاه ایالتی فلوریدا گذراند . مدارک فقط در ایران اهمیت آنچنانی دارند . در یک کشور اهل موسیقی مهم این نیست که چه مدرکی از چه دانشگاهی داشته باشید . مهم این است که خوب ساز بزیند و نوازنده خلاقی باشید . اما ایران کشوری اهل موسیقی نیست و برای اینکه به بقیه ثابت کنبد لی لی افشار نوازنده خوبی است باید بگوید که او اولین زن در جهان است که توانست دکتری گیتار بگیرد.

حالا ۱۶ سال است که در دانشگاه ممفیس از ایالت تنسی آمریکا تدریس می کند، علاوه بر اینکه در ارکسترها و آنسامبل‌های مختلف به عنوان نوازنده میهمان حضور دارد و ۳۰ یا ۴۰ کنسرت در سال اجرا می کند . ارکسترها در آنجا فعالیت زیادی دارند و برای همین مدت کوتاهی در سال را به استراحت می پردازند . با این حال نوازندگان آن در ایام تعطیلات با ارکسترهای دیگر هم کار می کنند و به عنوان نوازندگان میهمان به

دروژ» است که برای اولین بار در ایران اجرا شد . نوشتن چنین قطعاتی بستگی به میزان شناخت آهنگساز و نوازنده از یکدیگر دارد . برای ساخت چنین قطعه‌ای وقت زیادی صرف می شود . چون آهنگساز و نوازنده مدام با هم در تماس هستند . آهنگساز بخشی از قطعه را برای نوازنده می فرستد تا هم از اجرای آن روی ساز و هم حسی که منتقل می کند باخبر شود . بعضی وقت‌ها آهنگساز قطعه‌ای می‌نویسد که برای گیتار مناسب نیست و با این ساز نمی شود اجرایش کرد یا در انگشت گذاری‌ها مشکلاتی به وجود می آورد . افشار دوست دارد قطعاتی اجرا کند که ملودی داشته باشند، به خصوص شرقی باشند . برای او کار کردن روی قطعه جدید کار پرهیجانی است، در حالی که با یک بار زدن آن می فهمد که قطعه به ساز او تعلق دارد یا نه . او را تکان می دهد یا نه .

«گذار» اثر رضا والی تنها قطعه ایرانی بود که در رستبال لی لی افشار اجرا شد . این قطعه در دستگاه نوا



مجموعه ای غریب

لی لی افشار متولد تهران از ۱۰ سالگی فراگیری گیتار را آغاز کرد . با درجه‌های لیسانس و فوق لیسانس موسیقی در رشته نوازندگی گیتار از کنسرواتوار بوستون و کنسرواتوار موسیقی نیواگلند فارغ التحصیل شد و نخستین زنی در جهان بود که موفق به اخذ درجه دکترا در نوازندگی گیتار در دانشگاه ایالتی فلوریدا شد . لی لی افشار یکی از ۱۲ گیتاریست بین‌المللی بود که برای نواختن در حضور مائسترو سگویا درکلاس‌های پیشرفته او در دانشگاه کالیفرنای جنوبی انتخاب شد . آن موقع بود که مائسترو سگویا پیش بینی کرد که او نوازنده برجسته‌ای خواهد شد . علاقه او به موسیقی معاصر باعث شد که از نخستین اجراکنندگان آثار جدید رضا والی، گری آبیستر، جرارد دروزد، لورریس چوبانیان، آرن ملنس، کامران اینچه، باربارا کلب، مرلین زفرین و سالوادور براتونز از میان دیگران باشد . او کنسرت‌های متعددی در کشورهای آمریکا،

نوشته شده و برای اجرای آن افشار به گیتارش ربخ پرده اضافه کرده است . «این اولین بار است که چنین کاری می‌کنم . قبلاً یا باید سیم را خم می کردم یا آن را زیادی بالا می بردم که بی اشکال نبود مثلاً در یک گام تند وقت نیست که سیم را سریع بالا ببریم یا گاهی روی نت درست قرار نمی گیرد . بنابراین تصمیم گرفتم که ربع پرده به سازم اضافه کنم . حالا می توانم خیلی از آهنگ‌های ایرانی را اجرا کنم . به خصوص آهنگ‌هایی که برای سازهای دیگر نوشته شده‌اند . خیلی دوست دارم با آهنگسازان دیگری کار کنم و آنها را به نوشتن قطعه برای گیتار تشویق کنم . یکی از کارهای نوازنده این است که رپرتوار سازش را وسعت دهد . رضا والی قرار است قطعه دیگری در شور برای او بنویسد در حالی که افشار به قطعات حسین علیزاده هم علاقه مند است و دوست دارد روزی بتواند ساخته‌هایی از او را اجرا کند .

اما در ایران نسل آهنگسازانی که برای ارکستر یا ساز خاصی قطعه می‌نویسند، در حال انقراض است . خیلی وقت‌ها آنها تصمیم می گیرند برای اجرای قطعاتشان ارکستر و گروهی تشکیل دهند و وقتی اجرای قطعات ساخته شده به پایان رسید، گروه منحل می شود . سال‌های زیادی است که دیگر نوشتن قطعه برای گروه‌ها و نوازنده‌های دیگر در ایران مرسوم نیست . در عوض آهنگسازان در ساخت قطعات مناسبی مثل روز اسناد ملی، روز صادرات، روز حمل و نقل و روز جهاد کشاورزی مدام از هم پیشی می گیرند .

نواختن هر قطعه خلق دوباره آن است و بیچاره نوازندگانی که قرار است این قطعات یک بار مصرف را مدام خلق کنند . لی لی افشار می گوید : «برای اینکه یک قطعه را خوب اجرا کنبد باید عاشق آن باشید وگرنه شنونده حتماً متوجه می‌شود که با احساس نمی نوازید. قطعه باید شما را تکان دهد تا در شنونده تاثیر خود را بگذارد. »

این‌ها حرف‌هایی است که او در مسترکلاس‌های گیتار با شاگردانش در میان می گذارد. امسال در این مسترکلاس‌های سه روزه ۶۰ نفر شرکت کردند . کسانی که علاقه و استعدادشان خیلی بهتر از نوازندگان گیتار

در کشورهای دیگر است و فقط باید به درک و استنباط درستی از موسیقی برسند، باید روی تکنیک و موزیکالیت کار کنند . «من می گویم بروید به اپرای مونتسارت و موسیقی پتهون گوش دهید تا بتوانید سبک را بشناسید . نوازنده باید سبک را بشناسد و تفاوت دوره‌های مختلف را بداند . البته می دانم که در کلاس‌های موسیقی این چیزها را به نوازنده یاد نمی دهند. اما آنها باید خودشان دنبالش بروند و مدام موسیقی گوش دهند تا اینکه احساس آزادی کنند و بتوانند در اجرای قطعات خلاقیت داشته باشند . مثلاً وقتی قطعه فلوت سحرآمیز مونتسارت را اجرا می کنند باید بدانند در آن زمان چه چیزهایی در موسیقی اهمیت داشته یا اینکه آن موقع در اپرا و باله چطور لباس می پوشیدند. » لی لی افشار خود دوست دارد قطعات معاصر را اجرا کند البته به موسیقی مونتسارت هم علاقه مند است . تا به حال چهار سی دی از اجراهای او در آمریکا منتشر شده که قرار است به زودی موسسه ماهور آنها را در ایران منتشر کند . همچنین کتابی با عنوان «پنج آواز محلی ایرانی» از سوی نشر «ملی‌بی» در آمریکا وارد بازار شده است . علاوه بر این افشار تصمیم دارد برای شاگردانش در ایران متد جدید گیتار بنویسد و مسائل و مشکلاتی را که در مسترکلاس‌ها دیده، در این کتاب توضیح دهد .

مثلاً در این مسترکلاس‌ها او می‌شوند که هنرجویان می‌گویند فلان نوازنده معروف ، باخ را به این شیوه هر قطعه برسد . این دلایلی است که برای اجرای هر قطعه در ایران می‌شوم در حالی که در کشورهای دیگر چنین مسائلی حل شده است . مسئله دیگر انگشت گذاری آنها است که مربوط به متد قدیمی است در حالی که من در این کتاب می‌خواهم انگشت گذاری به شیوه جدید را به آنها یاد بدهم .«لی لی افشار می‌گوید که سال‌ها طول می‌کشد تا یک نوازنده تکنیک گیتار را یاد بگیرد. برای همین بیشتر نوازنده‌ها به دنبال گیتار پاپ می‌روند. مثلاً آنها نمی‌توانند در مدت کوتاهی تکنیک «ترمولو» را اجرا کنند . یادگیری این چیزها صبر و حوصله می‌خواهد تا اینکه انگشت‌ها مرتب و بدون وقفه بر سیم‌های ساز فرود بیایند . لی لی افشار از ۱۶ سال پیش در ممفیس زندگی می‌کند . جایی که گیتاریست زیاد دارد و همه به این ساز علاقه مند هستند اما بیشتر بلوز و جاز می‌زنند و کمتر کسی به سراغ گیتار کلاسیک می‌رود . برای لی لی افشار با اجرای نزدیک ۴۰ کنسرت در سال ، زندگی روی سن شکل می‌گیرد . «زمانی بود که به من می‌گفتند چرا گیتار کلاسیک می‌زنی . ویولن بزَن . اما من گوش نمی‌کردم چون عاشق سازم بودم . برای بعضی‌ها سه‌تا ر یا پیانو خوب است اما من گیتار را به هر ساز دیگری ترجیح می‌دهم . می‌دانید ساز خیلی گرمی است . آن را در آغوش می‌گیرید و بدون نیاز به واسطه‌ای مثل مضارب یا آرشه ، با انگشت‌هایتان آن را می‌نوازید. برای همین در هر خانه‌ای که بروید یک گیتار هم می‌بینید. همه صدایش را دوست دارند و دوست دارند برای خودشان ساز بزنند. »

نگاه اول

بداهه‌نوازی در موسیقی

بابک صانعی

بداهه‌نوازی یکی از اصولی است که در سال‌های گذشته در موسیقی ایران کم رنگ شده است . مهمترین رکن در بداهه‌نوازی که به بداهه جان می‌دهد، حالت جذبِه و متافیزیک است . هنرمند برای اینکه به این مرحله برسد، باید بعد از یادگیری رپرتوار ، با تمرین ، تمرکز و ریاضت در یک مرحله سخت قرار بگیرد که بعد از آن می‌تواند بداهه‌نوازی کند . بداهه‌نوازی در مقوله عقل‌گرایی نمی‌گنجد . این مرحله به یک اندازه شامل همه نمی‌شود، بعضی هنرمندان از این نعمت بیشتر برخوردارند و برخی کمتر . بداهه به معنای خلق لحظه است و اینکه این اثر از پیش تعیین نشده باشد . همچنین بداهه‌نوازی انواع و مراحل مختلفی دارد . مرحله نخست مربوط به اجراهای متفاوت از گوشه‌ها و ردیف‌های ایرانی است . این بخش به لحاظ تکرار و لحن یک اجرای متفاوت است . البته این اجرا خصوصیات بداهه را به طور واضح ندارد . مرحله دوم بداهه مربوط به جابه‌جایی گوشه‌ها و تغییر آنها است . این نوع بداهه زمانی پیش می‌آید که خواننده یا نوازنده در تقابل یک رپرتوار دیگر قرار بگیرد و بتواند تخیل و تجسم خود را آزاد کند . نوع دیگر بداهه به گفت‌وگوی چند هنرمند مربوط می‌شود . در این بخش نوازنده آقندر تبحر و مهارت پیدا کرده که می‌تواند راه‌های پیش‌بینی نشده را در یک لحظه خلق کند . تکیه اصلی بداهه‌نوازی بر آگاهی و توانمندی شخص نوازنده است . البته نباید فراموش کرد که بداهه زمانی اتفاق می‌افتد که پای تکنوازی و تک خوانی در میان باشد . به طور یقین اگر چند موسیقیدان بداهه‌نوازی کنند یک نوازنده شخصیت محوری این گروه را به عهده خواهد داشت . این نوازنده چیره‌دست تار و ردیف‌دان در پایان یک قطعه در افشاری اجرا کرد.

اجرای موسیقی ایرانی به‌ویژه در تک‌نوازی و آواز معمولاً همراه با بداهه‌نوازی و بداهه‌خوانی است . اگر نوازنده یا خواننده از اجرای ردیف و نغمه‌های معروف جدا شود و در مایه‌ای که مناسب سیر آهنگ است قطعه‌ای بنوازد یا بخواند، بداهه‌نوازی یا بداهه‌خوانی کرده است . به‌ویژه از آنجا که موسیقی سنتی ایران به صورت خواندن از روی نت اجرا نمی‌شود، معمولاً مستلزم بداهه‌نوازی است . بداهه‌نوازی از نوع خاص تربیت موزیسین‌های ایرانی که مبتنی بر حفظ قطعات و نه اجرای یک‌باره آنها از روی نت است ناشی می‌شود. بداهه‌نواز

باید به تعداد کافی نغمه، جمله و ریتم در ذهن داشته باشد تا بتواند با استفاده از این جملات و به کمک خلاقیت و ذوق شخصی خوش به تصنیف همزمان با اجرا بپردازد. بداهه‌نوازی یکی از نقاط قوت موزیسین‌های ایرانی محسوب می‌شود و در آثار اکثر موسیقیدان‌های ایرانی فراوان دیده می‌شود. بداهه‌نوازی به‌طور برجسته در آثار حسین علیزاده و محمدرضا لطفی، موسیقیدان‌های معاصر، دیده می‌شود.

لئونارد برنشتاین آهنگساز آمریکایی، موسیقی کلاسیک را «موسیقی دقیق» تعریف می‌کند چون در این موسیقی نوازنده باید دقیقاً همان نت‌هایی را که آهنگساز نوشته اجرا کند. پس به نظر می‌رسد بداهه‌نوازی در موسیقی کلاسیک جایی ندارد. ولی در گذشته چنین نبود و گاه نوازنده‌ها می‌توانستند درمیان اجرای یک قطعه، هنری هم از خود بنمایند. و مونتسارت و بهیون از این نظر مشهور بودند که می‌توانند پشت پیانو بشینند و قطعه‌ای به نغمه اصلی قبلی درجا تصنیف کنند و بنوازند. بخش کادانس در کنسرتو‌ها هم در واقع برای فراهم کردن امکان کادانس‌های مشهور را بنوازند. بداهه‌نوازی از ملزومات سبک جاز و بلوز است. قطعه جاز بدون بداهه‌نوازی جاز نیست. از دوران بیباپ به بعد فرم قطعات جاز خیلی شبیه به فرم سونات در موسیقی کلاسیک شده است، بدین معنی که هر قطعه از چند بخش اصلی تشکیل می‌شود: گشایش، نغمه اصلی، بداهه‌نوازی، بازگشت به نغمه اصلی و احتمالاً یک بخش اوج‌گیرنده پایانی. با بداهه‌نوازی می‌رسد. در این بخش چند تن از تکنوازان به نوبت قطعه اصلی را متحول می‌کنند و بسته به ذوق و حال و توانایی خود چیزی می‌نوازند. در جریان تکنوازی آنان قسمت ریتم (معمولاً کنترباس و سازهای ضربه‌ای) ریتم را نگه می‌دارند، یا بسته به حالی که بداهه‌نوازی پیدا می‌کند، تغییراتی در ضرب می‌دهند. سپس تمام گروه به نغمه اصلی بازمی‌گردند و در آخر با یک بداهه‌پایانی، معمولاً به حالت کودا (بخش پایانی)، قطعه به پایان می‌رسد. البته همه قطعات این ترتیب را ندارند و بسیاری از نوازندگان به صورت‌های دیگری هم قطعات را اجرا می‌کنند ولی این ترتیب که گفته شد بسیار رایج است. هنر اصلی نوازندگان جاز در بخش بداهه‌نوازی تخیلی پیدا می‌کند. خلاقیت آنان در متحول کردن نغمه اصلی و ضرب، چیره‌دستی آنان در نواختن ساز، و عمق آشنایی آنان به موسیقی و نغمه‌های گوناگون (که معمولاً به صورت تلمیح یا اشاره به نغمه‌های معروف نشان داده می‌شود) در هم‌بین بخش بداهه‌نوازی معلوم می‌شود. خوانندگان جاز برای بداهه‌خوانی از کاری به نام صداخوانی (scat) استفاده می‌کنند. در این تکنیک خواننده به جای خواندن متن ترانه صداهایی (بی معنی) که گاه شبیه به کلمات می‌شود اجرا می‌کند. بداهه‌نوازی با بداهه‌خوانی همچنین مناسبی برای ابراز احساسات نوازنده یا خواننده است. اگر بداهه‌نوازی در قطعه نباشد نوازنده فقط به اجرای نغمه اصلی می‌پردازد و هرچه هم که از تکنیک‌های تغییر در ضرب و سونگ و سایر روش‌های رایج در جاز استفاده کند، باز کارش جاز به معنای واقعی نخواهد بود.